

"عبور از خاتمی"

منصور حکمت
mhekmat@yahoo.com

انترناسیونال

هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت
www.haftegi.com

۱۹

۱۸ شهریور ۱۳۷۹
۸ سپتامبر ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

در باب سیاسی
شدن "عموجلان"

صفحه ۴

در کنگره سوم حزب
شرکت کنید

صفحه ۳

قطعهنامه حزب
کمونیست کارگری
در تظاهرات
لس آنجلس و نیویورک

صفحه ۲

رادیو انترناسیونال

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰
بوقت تهران
۱۹ متر برابر با
۱۵۵۵۰ کیلوهرتز
تلفن

0044 771 461 1099

مرکز اطلاعات

و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707



چند هفته اخیر دوران فوق العاده تعیین کننده ای در سیاست ایران بوده است. با حکم خامنه ای علیه مجلس دوم خرداد، یک روند پر تلاطم و پر سر و صدای تجدید آرایش در هیات حاکمه و جناحهای رژیم اسلامی آغاز شده است. این گواه تناقضات ماهوی جنبش دوم خرداد بود که پس از سه سال دورخیز و نرمش و تمرین و گرزچرخانی و رجزخوانی، با یک یادداشت چند سطر اینچنین در یک بحران عمیق سیاسی، فکری و هویتی فرو رفت. این همچنین نشان پوکی و عجز و هراس جناح راست بود که با اولین حرکت خودی ترین رقبایشان برای نوعی "قانونگذاری" به نفع دوم خرداد، خود را ناگزیر دید که آخرین تیر ترکش را پرتاب کند و "رهبر عالیقدر" نظام و سمبل اقتدار حکومت را اینچنین سراسیمه و مستاصل و حقیر جلوی چشم همه قرار بدهد. این منظره را مردم دیدند. خرم آباد نشان داد که مردم

دوم خرداد: "آرامش فعال" در بالا، "عبور از خاتمی" در پایین.

دوم خرداد در حال تجزیه است. سران این جریان و در راس همه خود خاتمی بدنبال تعریف یک همزیستی جدید با راست ولو از موضعی ضعیف تر، با هدف حفظ وضع موجود، حفظ پست ریاست جمهوری، احیای نوعی قدرت برای مجلس و فرسایش راست هستند. قرار است باز دماغشان را سفت بگیرند و نفس شان را نگه دارند و این موج را بگذرانند. معتقدند دیر یا زود باد راست خالی میشود و معادلات بنیادی

تر جامعه (اقتصاد ویران، مردم ناراضی، خطر سرنگونی) راست را به سازش میکشاند. معتقدند میتوان جناحهای افراطی راست را منزوی کرد و با خامنه ای و اطرافیان بر سر ایجاد یک طیف "مرکز" جدید و "مشروع" در رژیم اسلامی به توافق رسید. به تجزیه راست امید بسته اند. هدف اساسی سران دوم خرداد و لایه های فوقانی این جریان اینست که بهر قیمت در حاکمیت شریک بمانند و از نظر حقوقی خلع ید نشوند. اکنون تز "آرامش فعال" حجابیان، که معنای زمینی آن خود را به مردن زدن در برابر خرناسه های راست است، ایجاب میکند که آرامش بیشتر و فعالیت کمتری در دستور قرار بگیرد. ابراز وفاداری مجدد به رهبر، دفاع از ولایت فقیه، حمله به خواست سکولاریسم،

صفحه ۲

۵۱ تشکل کارگری آمریکا
جمهوری اسلامی را محکوم کردند
صفحه ۳

کارگران باید دخالت کنند



رقابت بی سابقه ای که به کارگران تحمیل شده، تامین ابتدائی ترین سطح معیشت را به یک مشغله درجه اول تبدیل کرده و کارگران را در اقدامات سراسری و سیاسی، چه ناظر بر بهبود اوضاع معیشتی خود و چه دخالت مستقیم در اوضاع سیاسی محتاط کرده است. سرکوب سیستماتیک جمهوری اسلامی، بویژه آنجا که کمونیستها و رهبران کارگری و اقدام برای تشکل های کارگری در میان است، بیست سال است که بی امان ادامه داشته است. کارگران با وجود برپایی مجمع عمومی در اعتراضات خود هنوز از ارگانهای اعمال اراده مستقیم خود محرومند. و غیره. اما شاید از همه اینها مهمتر، و البته بر پایه همین واقعیات، باید از عنصر روحیه دخالتگری نیز یاد کرد. اینکه

چقدر کارگران به خود بعنوان یک نیروی سیاسی بالقوه پر قدرت نگاه میکنند. چقدر اعتماد به نفس دارند. چقدر خود را مصدر تغییر، و نه منتظر تغییر، میدانند. چقدر میخواهند تاریخ آن مملکت را خودشان بسازند و چقدر منتظرند تا طبقات دیگر آن تاریخ را شکل بدهند تا دست آخر ببینند چه به کارگران میرسد. چقدر به خود بعنوان نیروی نجات بخش،

صفحه ۳

مصطفی صابر
mosaber@yahoo.com

دوم خرداد تا اطلاع ثانوی به کمای سیاسی فرو رفته و در حال تجزیه است. جناح راست از "سنگر" نماز جمعه و مجلس خبرگانش توپ های خالی در میکند تا مگر اوضاع را تحت کنترل در آورد. وقایع خرم آباد بار دیگر نشان داد که مردم آماده اند تا به میدان بیایند و به بیست سال فقر و استبداد اسلامی پایان دهند... در این اوضاع حساس و بحرانی نقش سیاسی کارگران میتواند بسیار تعیین کننده باشد.

کارگران از جمهوری اسلامی، هر دو جناح آن، بشدت بیزارند و بیست سال است که سرنگونی آنرا لحظه شماری میکنند. اعتراضات کارگری در دوره اخیر (بویژه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها) در اشکال رادیکال

و سیاسی ادامه داشته و به سهم خود فاکتوری بوده که جمهوری اسلامی را چنین به سراشیب انداخته است. با اینهمه، جای حضور و دخالت فعال و متحد کارگران در اوضاع سیاسی هنوز خالی است. برای مثال، ما شاهد مبارزه سراسری کارگران برای افزایش دستمزدها نبوده ایم. و یا در طول این چند سال که وقایع سیاسی بسیار مهمی رخ داده است، موارد جدی نبوده که کارگران کارخانه ای قطعنامه ای، بیانیه ای صادر کرده باشند که مثلاً زندانیان سیاسی آزاد گردند، که زنده باد قیام ۱۸ تیر، که حجاب لغو باید گردد، که زنده باد آزادی اعتصاب و تشکل و مطبوعات و نظیر اینها. دلایل مختلفی را میتوان بر شمرد. از جمله: فلاکت و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ "عبور از خاتمی"

را به نمایش میگذارد. قربانی اصلی این چند هفته تا این لحظه خاتمی بوده است.

در پائین جنبش دوم خرداد حرکتی در جهت عکس جریان دارد. اینجا صحبت از "عبور از خاتمی" است، از بیحاصلی سیاست "آرامش فعال"، از ضرورت بازتعریف جنبش از زاویه نگرش تنوریک متفاوتی که در آن "نافرمانی مدنی" مردم جای مهمتری اشغال کند. و این تازه فرمولبندی های محترمانه و کتابی شخصیتهای فکری این جریان است. در درون صفوف آنچه که به آن "جنبش دانشجویی" اطلاق میشود، صحبت از اسلحه است. محسن آرمین لازم میبیند که در جلسه تحکیم وحدت گرایش به اسلحه را نقد کند. در حالی که خاتمی با لب و لوجه آویزان و گردن کج شمامت مجلس خبرگان را میشنود و دم برنمیآورد، صفوف پائین همان جریان به رفسنجانی اخطار میکند که صحبت از خشونت نکند و ایبه ورود به صحنه سیاست و انتخابات ریاست جمهوری را از سر بیرون کند. در اینکه پایه دوم خرداد به سرعت از سران آن دور میشود تردید نیست. مردم این شکاف را به دوم خرداد تحمیل کرده اند. جریان "اصلاحات" حتی در فرمال ترین و دروغین ترین قالب خود نمیتواند در برابر فشار مستقل مردم برای تغییر برای خود مصونیت و عدم حساسیت ایجاد کند. در تمام ماجرای خرم آباد، سخنگویان دوم خرداد نامی از مردم نبردند. در روایت مزورانه اینها مردم وجود نداشتند. با اینحال تمام دستور مباحثات و مشغله صفوف این جریان مستقیماً متأثر از حرکت مردم و حضور روزافزون مردم در صحنه نبرد خیابانی با اوپاش اسلامی و نیروهای مسلح است. تحت فشار راست از یکسو، و حرکت مردم ناراضی از سوی دیگر، دوم خرداد خرد خواهد شد. بالا و پائین این جریان سرعت از هم دور میشوند. علایم تجزیه در اردوی دوم خرداد را در جای دیگری نیز میشود بروشنی دید. اپوزیسیون دوم خردادی طرفدار رژیم در خارج کشور، طیف اکثریت و جمهوریخواهان متفرقه، که به رویدادهای ۱۸ تیر سال گذشته و جریاناتی که اعتراض را به بیرون دانشگاه برده بودند لعنت میفرستادند و همصدا با خاتمی آن را توطئه اجانب میخواندند،

کسانی که همصدا با کل رژیم اسلامی اعتراض رادیکال به حضور ایادی حکومت در کنفرانس برلین را تخطئه میکردند، دارند از سران دوم خرداد فاصله میگیرند و بدرجات مختلف سیاست اعتراض از پائین را تشویق میکنند. این تحول مهمی است. اینها بارومتر عوامفریبی و دروغ در جامعه ایرانند. اینها خط قرمز خطر را ترسیم میکنند. اگر آنقدر اعتبار برای خاتمی نمانده باشد که وفاداری این جماعات همیشه وفادار را حفظ کند، اوضاع دوم خرداد باید بشدت وخیم باشد. همزاد اسلامی این طیف در داخل کشور، یعنی مجاهدین انقلاب اسلامی، نیز عیناً در چنین موقعیت پر تنش قرار گرفته است و در جریان یک تعیین تکلیف اساسی با خویش است. همه میدانند که اگر دوم خرداد یک جنبش درون حکومتی و "خودی" نباشد، موضوعیتی در جامعه نخواهد داشت. اینها احتیاج دارند رئیس جمهور و وزیر و نماینده مجلس باشند. اما آنچه باید اضافه کرد اینست که اگر دوم خرداد به یک جریان صرفاً حکومتی و "خودی" بدل بشود، یعنی آن جهتی که خاتمی در پیش گرفته است، باز هم موضوعیت اجتماعی خود را از دست میدهد. این اتفاقی است که اکنون دیگر رخ داده است و بدون چرخشهای بسیار بزرگ، و بسیار نامحتمل، در روش سران دوم خرداد و جناح راست، این روند دیگر برگشت پذیر نخواهد بود.

راست بدون دوم خرداد

جناح راست نیز پا به دوران جدیدی گذاشته است. برای جناح راست مسجل شده است که جنبش دوم خرداد قادر نیست به وعده اصلی خود یعنی کنترل مردم و ایجاد مبنایی جدید برای تمکین مردم به رژیم اسلامی عمل کند. حکم خامنه ای آزمون تاریخی ای جلوی دوم خرداد گذاشت. رابطه جریان دوم خرداد و مردم در این واقعه محک زده شد. آیا جناح دوم خرداد در برابر تهاجم تمام و کمال و نهایی راست به کل پروژه دوم خرداد، به مردم متوسل میشود؟ در این شک نیست که فراخوان دوم خرداد به مقاومت علیه خامنه ای با عکس العمل مثبت و وسیع مردم روبرو میشود. سوال این بود که آیا دوم خرداد شهامت طرح چنین فراخوانی را دارد، آیا قدرت کنترل مردم را در خود میبیند، آیا از نظر خود سران دوم خرداد مردم با آنها هستند و رهبری آنها را

میپذیرند؟ پاسخ این سوال منفی بود. با تمکین دوم خرداد به حکم خامنه ای، جناح راست ترس دوم خرداد از مردم و جدایی مردم از دوم خرداد را دید. اگر مردم نیروی دوم خرداد نیستند و اگر دوم خرداد رهبر مردم نیست، راست دیگر نیاز آنچنانی به بازی در این زمین ندارد. صورت مساله، جنبش اعتراضی رشد یابنده مردم است. خطر سرنگونی وجود دارد، دوم خرداد نه فقط اهرمی در این اوضاع ندارد بلکه با مخالفت خوانی ها و رقابت جناحی بحران سیاسی را تعمیق میکند. راست این را میبیند، قید دوم خرداد را میزند و میروود تا برای جدال اصلی تری که به جلوی جامعه رانده میشود فکری بکند. اینجا نیز دو خط در استراتژی راست وجود دارد. اول تلاش برای جدا کردن خاتمی و سران دوم خرداد از پایه های این جریان و تلاش برای ادغام اینها در یک طیف مرکز در جمهوری اسلامی. در این طرح خاتمی میماند، مجلس میماند، انتخابات ریاست جمهوری میماند و حتی شاید خاتمی مجدداً با رضایت خامنه ای و بستر اصلی جناح راست برای اجتناب از تشنج به ریاست

جمهوری برسد. این به معنای پایان دوم خرداد و هضم آن در حکومت است. تشکیل کمیته اصلاحات، اعمال کروی، گفته های خاتمی، تاکید مجدد سران دوم خرداد به وحدت بنیادی شان با راست در مساله حکومت دینی، نشانه زمینه های چنین استراتژی ای است. اما کاهش تنش در بالا، اگر عملی شود، فقط تخصص را به پائین منتقل میکند و تشدید میکند. این سیاست حتی در کوتاه مدت ثبات و رفع تشنجی بیار نمیآورد. رگه دوم در استراتژی راست میلیتاریزه کردن اوضاع و سرکوب قهر آمیز هم دوم خرداد و هم، از آن مهمتر، اعتراضات مردم است. سخنان اخیر رفسنجانی و اتمام حجت های مجلس خبرگان با خاتمی، و شکوه شاهرودی از عدم اجرای قصاص اسلامی نشانه تقویت این رگه در استراتژی راست برای مقابله با اوضاع وخیم حکومت اسلامی است.

این دو رگه هنوز بطور واقعی معنی سازمانی در راست پیدا نکرده و به انشعاب عملی گرایشهای مختلف در صف راست منجر نشده است. عسکر اولادی از عدم تعلق انصار حزب الله به مؤتلفه سخن میگوید. کیهان با

قطعهنامه حزب کمونیست کارگری در تظاهرات اس آنجلس و نیویورک

ما شرکت کنندگان در تظاهرات علیه سفر خاتمی به سازمان ملل، رژیم جمهوری اسلامی ایران را بخاطر:
* اعمال یک حکومت سیاه مذهبی بر جامعه،
* دستگیری، شکنجه و اعدام بیش از ۱۰۰ هزار تن از مخالفین،
* سرکوب هرگونه آزادی سیاسی، عقیده، اجتماعات، مطبوعات، تشکل، اعتصاب و تظاهرات،
* تحمیل موقعیت فرودست به زنان،
* اعمال حجاب اجباری،
* سنگسار و قطع وحشیانه اندام انسانها،
* تجاوز اسلامی به دختران ۹ ساله،
* تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری و گرسنگی گسترده بر جامعه،
* سرکوب خوشی و شادی و فراغت،
* استثمار و بکار گرفتن کودکان خردسال،
* عدم پرداخت چندین ماهه حقوق و مزایای کارگران،
* دستگیری مردم در تظاهرات شهرهای تهران، آبادان، سنجند، پیرانشهر، قیر و اسلامشهر و خرم آباد محکوم میکنیم.

ما اعلام میکنیم که خواهان:
* آزادی بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و کلیه دستگیر شدگان اعتراضات شهری هستیم،
* جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش هستیم،
* آزادیهای بی قید و شرط سیاسی در جامعه هستیم،
* پرداخت فوری کلیه حقوق و مزایای پرداخت نشده کارگران هستیم،
* پرداخت بیمه بیکاری مکفی به همه افراد آماده به کار هستیم،

* خدمات بهداشتی و پزشکی رایگان، مناسب و در دسترس برای همگان هستیم،
* لغو اکید مجازات اعدام و حبس ابد هستیم،
* برابری کامل حقوقی و اجتماعی زنان و مردان در تمامی شئون اجتماعی هستیم،
* پایان دادن به هرگونه تبعیض اجتماعی و نابرابری سیاسی و اجتماعی هستیم،
* از میان بردن استثمار مزدی هستیم و کار مزدی را دین شان انسان میدانیم.

ما اعلام میکنیم که پیش شرط تحقق خواستههای فوق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.
ما اعلام میکنیم که خواستههای فوق تنها در یک جمهوری سوسیالیستی متحقق خواهد شد!
تشکیلات خارج کشورحزب کمونیست کارگری ایران در امریکا و کانادا

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

۵۱ تشکل کارگری آمریکا جمهوری اسلامی را محکوم کردند

در پی تماس فعالین حزب کمونیست کارگری ایران در آمریکا با سازمانهای کارگری در این کشور، ۵۱ تشکل کارگری طی قطعنامه ای با دفاع از مبارزات کارگران و مردم در ایران، خواهان آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان، تشکل و اعتصاب و محاکمه سران جمهوری اسلامی شدند. متن قطعنامه به قرار زیر است:

ما از مبارزات کارگران و مردم ایران برای آزادی دفاع میکنیم!
* ما نمایندگان اتحادیههای کارگری در آمریکا اخبار اعتراضات کارگران و

همچنین اخبار سرکوب و دستگیریهای وسیع جوانان در تظاهراتهای اخیر ایران را شنیده‌ایم. ما رژیم جمهوری اسلامی را بخاطر نقض حقوق پایه‌ای مردم و حقوق بین‌المللی کارگران محکوم میکنیم.

ما نمایندگان تشکلهای کارگری تصویب میکنیم که:
۱- احکام اعدام و زندانی تمام دستگیر شدگان و تمام زندانیان سیاسی باید فوراً لغو شود. هیچ زندانی‌ای نباید شکنجه شود. هیچ زندانی نباید

اعدام شود،
۲- تمام زندانیان سیاسی و تمام دستگیر شدگان اعتراضات مردم باید فوراً آزاد شوند،
۳- آزادی بیان، تشکل و اعتصاب از حقوق اولیه انسان است و باید برسمیت شناخته شود،

۴- ما از مبارزات کارگران و مردم ایران برای کسب حقوق انسانی و یک زندگی بهتر دفاع میکنیم.

۵- ما از مبارزات کارگران ایران برای دریافت حقوق معوقه

خود دفاع میکنیم.
۶- ما از تمامی حقوق پایه‌ای کارگران ایران دفاع میکنیم.

۷- ما اخراج مهاجرین افغانی از ایران را محکوم میکنیم.

ما تصویب میکنیم که:
* سران رژیم جمهوری اسلامی به جرم بیست و یک سال سرکوب و کشتار و قتل و جنایت علیه بشریت محاکمه شوند!

اسامی اتحادیه های امضا کننده قطعنامه

- ۱ * اتحادیه کارکنان شهرداری (لوکال ۲۶۲۰)
- ۲ * اتحادیه کارکنان حرفه‌ای و مهندسی
- ۳ * اتحادیه کارگران نجاری (لوکال ۲۰۹)
- ۴ * اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۵۳۵)
- ۵ * اتحادیه بین المللی کارگران خدمات (لوکال ۶۶۰)
- ۶ * فدراسیون شوراهای کارگران لس آنجلس
- ۷ * اتحادیه کارگران حمل و نقل (لوکال ۵۰۲)
- ۸ * اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۱۸۷۷)
- ۹ * اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۳۳۸)
- ۱۰ * اتحادیه بین المللی کارگران خدمات (لوکال ۳۴۷)
- ۱۱ * کنگره سازمانهای صنعتی و فدراسیون کار آمریکا (لس آنجلس)
- ۱۲ * حزب کار (شاخه لس آنجلس)
- ۱۳ * فدراسیون معلمین آمریکا (لوکال ۱۰۲۱)
- ۱۴ * اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۳۴۷)
- ۱۵ * اتحادیه کارکنان شهرداری (لوکال ۸۰۰)
- ۱۶ * اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۷۲۸)
- ۱۷ * اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۴۸۴)
- ۱۸ * اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۹۴)
- ۱۹ * اتحادیه کارگران مواد غذایی (لوکال ۷۷۰)
- ۲۰ * اتحادیه معلمین لس آنجلس
- ۲۱ * اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۲۱۰۲)
- ۲۲ * اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۵۰۳)
- ۲۳ * اتحادیه کارگران حمل و نقل (لوکال ۱۳۱۵)
- ۲۴ * اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۳۳۸)
- ۲۵ * اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۰۰)
- ۲۶ * اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۴۰۰)
- ۲۷ * اتحادیه زحمتکشان (لوکال ۳۰۰)
- ۲۸ * اتحادیه کارگران متال (لوکال ۱۰۸)
- ۲۹ * اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۵۰۵)
- ۳۰ * اتحادیه کارکنان نساجی (لوکال ۲۲۹۷)
- ۳۱ * اتحادیه کارگران نقاشی (لوکال ۹۵)
- ۳۲ * فدراسیون معلمان کالیفرنیا (لوکال ۱۰۲۱)
- ۳۳ * اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۵۳۵)
- ۳۴ * اتحادیه کارگران نجار (لوکال ۴۰۹)
- ۳۵ * اتحادیه بین المللی کارکنان خدمات (لوکال ۱۰۰۰)
- ۳۶ * اتحادیه کارگران مواد غذایی (۹۹۵)
- ۳۷ * اتحادیه کارگران شستشو (لوکال ۵۲)
- ۳۸ * اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۱۱۹)
- ۳۹ * اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۷۷۷)
- ۴۰ * اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۱۸۶)
- ۴۱ * اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۳۹۰۹۶)
- ۴۲ * اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۸۰)
- ۴۳ * فدراسیون معلمین آمریکا (لوکال ۱۵۴)
- ۴۴ * اتحادیه مهندسی و کارکنان صنعتی (لوکال ۵۳۷)
- ۴۵ * اتحادیه کارکنان هتل و رستوران (لوکال ۸۱۴)
- ۴۶ * اتحادیه کارکنان ساختمانی (لوکال ۱۷۱۰)
- ۴۷ * اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۴۸۴)
- ۴۸ * اتحادیه کارگران نجار (لوکال ۱۵۰۶)
- ۴۹ * اتحادیه کارگران بارانداز (لوکال ۱۳۲)
- ۵۰ * اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۶۸۳)
- ۵۱ * اتحادیه کارگران بارانداز (لوکال ۲۴۶)

کارگران باید دخالت کنند رهبر کل جامعه برای ساختن جامعه ای متکی بر تعاون و آزادی انسانها نگاه میکنند. خلاصه چه توقعی از خود دارند. تعیین تکلیف با این سوال پایه ای همیشه اهمیت دارد، اما حالا اهمیت آن بسیار عاجل است. چرا که همیشه دوره های بحران سیاسی و تلاطمات اجتماعی پیش نمی آید. اگر کارگران امروز با تمام قوا وارد صحنه سیاست نشوند، حرف و مطالبه خود را بیان نکنند، نیرو سازمان ندهند و برای اهداف خود و نه فقط خود که برای زنان، جوانان، همه آزادیخواهان و محرومان به مبارزه مستقیم و پیشرو دست زنند، اگر به رهبر معتمد، مستحکم، مدرن و راهگشای مردم تبدیل نشوند، آنوقت باز سرمایه داران، حالا در شکل و لباس دیگری، امکان برد خواهند داشت.

در دوره های بحرانی و تلاطمات اجتماعی مثل حالا، تیزبینی سیاسی و دخالتگری سیاسی کارگران و رهبران آنها اهمیت فوق العاده ای دارد. در زمان قیام بهمن ماه ۵۷ کارگران پدربجاتی تشکل و اتحاد داشتند، آنچه کم بود تلقی و توقع از خود بعنوان رهبر جامعه و رهبر مبارزه برای رهایی بود. فقدان همین افق و روحیه بود که نهایتاً شوراهای کارگری را از دخالت فعال در اوضاع کل جامعه باز داشت، مانع بزرگی بود برای آنکه کارگران به مدعی قدرت سیاسی تبدیل شوند و با خمینی و دیگر نمایندگان تازه بدوران رسیده طبقه سرمایه دار تعیین تکلیف قطعی کنند. اینبار دیگر نباید جایی برای تکرار آن "اشتباه" گذاشت. کارگران باید در صف مقدم برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی قرار بگیرند.

در کنگره سوم حزب شرکت کنید

جریان اجلاس عالیترین ارگان حزبی است. برای ثبت نام و دریافت کارت ورودی و اطلاعات لازم در اسرع وقت با شماره تلفن، فاکس و ای میل زیر تماس بگیرید.

Tel: 0044 (0) 777 9898 968

Fax: 0044 (0) 870 120 7768

e-mail: congress@ukonline.co.uk

* ورودیه هر نفر برای دو روز جلسه شامل هزینه ناهار معادل ۶۰ دلار، ۳۵ پوند و یا ۱۱۰ مارک آلمان است.

شرکت در کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حزب حضور یابند.

کنگره در نیمه اکتبر امسال برگزار میشود. ابتکار حزب در گشایش کنگره بروی عموم با استقبال وسیعی روبرو شده است. تاکنون نزدیک به ۱۲۰ نفر برای شرکت در کنگره بعنوان ناظر ثبت نام کرده اند. امکانات خوابگاهی موجود برای ناظرین

تمام شده است. هیات تدارک کنگره در جریان تامین جای بیشتر برای ناظرین است و ثبت نام علاقمندان همچنان تا ۲۳ سپتامبر ادامه خواهد داشت. این فرصت بسیار مناسبی برای آشنایی از نزدیک با حزب و ارگانها و کادرهای آن در

انترناسیونال هفتگی

را در ایران و خارج

تکثیر و پخش کنید

به انترناسیونال

هفتگی

کمک مالی کنید!

چون قافیه تنگ آید...

در باب سیاسی شدن "عموجلال"

گورش مدرسی

وابستگان فکری و سیاسیش بود.

"آقا جان اینجا صاحب دارد!"
این حرف طالبانی است. درست مثل لمپنی که خیابانی را قرق میکند. بر کرده مردم کردستان جیبشان را پر کرده‌اند و حاضر نیستند عقب بنشینند. سیاست و مبارزه سیاسی و دولت و مردم و انتخابات و پارلمان و غیره کشک است. دارد ابواب جمعیش را شیر فهم میکند که این مقولات را جدی نگیرند.

ادعای سرپی نظری علی را لایب بیاد دارید. در آنجا جرم حزب کمونیست کارگری عراق دفاع از برابری زن و مرد، تبلیغ رفراوند برای استقلال کردستان، زیر پا گذاشتن قوانین حکومت بعث، و غیره بود. ارگان تئوریک طالبانی امروز روایت "تئوریک تری" از جرائم منصور حکمت، البته در مقیاس ناسیونالیستهای کرد، را تحویل میدهد:

"- دشمنی کردن با قیام کردستان و توطئه امپریالیسم قلمداد کردن آن...

- دشمنی با انتخابات همگانی و تشکیل پارلمان ملی و حکومت منطقه...

- همکاری با دشمنان خلق کرد. منصور حکمت مشکوک و گروهی که نام حزب کمونیست کارگری ایران را بر خود گذاشته مدت ها است که با حکومت عراق رابطه برقرار کرده و حکومت عراق سفارش اغتشاش و توطئه بر ضد کردستان آزاد و حکومتش را کرده و با شکل



دیگر مستقر در بغداد در این رابطه همکاری و هماهنگی کنند"

این نظر علی به زبان تئوریک در مقیاس ناسیونالیسم کرد است. این خود طالبانی است. این بیچاره نمیفهمد که حتی ابواب جمعی حقوق بگیرش از او خواهند پرسید مرد حسابی کدام دولت؟ کدام پارلمان؟ کجاست این دولت؟ چه کسی آنرا انتخاب کرده؟ چگونه میشود برکنارش کرد؟ منشا قوانینش کدام است؟ پولش را از کجا میاورد؟ مردم چه نقشی در آن دارند؟ پایتختش کوه؟ فرودگاهش کوه؟ پاسپورت و اجازه سفرش کوه؟ برنامه اقتصادی کجاست؟ آیا معیشت مردم قرار است تا ابد از همین گدائی سازمان ملل جور شود؟ قرار است آینده چه شود؟ چه کسی در دنیا آنرا بعنوان دولت قبول کرده؟ کجاست پارلمان؟ پارلمان شعبه سلیمانیه منظورتان است یا شعبه اربیل؟ و بعد، لاقل جنابعالی که خودت پیروز از رابوسی در بغداد آمدی و دیروز از پابوسی در تهران و تازگی مدال خدمت و جوهری منباب تشکر از "استاندار" کردستان ایران دریافت کرده ای و یک روز در میان زیر میز وزارت خارجه آمریکا

پیدایت میکنند، در مورد "رابطه" این و آن فرمایشات زیادی نفرمائید.
در میان خیل رنگارنگ ناسیونالیست های کرد در سوئد کسی عقلش را ندارد که به طالبانی تذکر بدهد که چنین اظهارات و اتهاماتی سمپاتی به حقانیت منصور حکمت را بالا میبرد؟ حتی صفوف پائین اتحادیه میهنی همراه با مردم کردستان خواهند گفت که منصور حکمت الحق هشدار داد که این بلا سرمان خواهد آمد. حکمت حق داشت گفت کردستان را اردوی آوارگان نکنید، کشور تشکیل بدهید. طالبانی و ناسیونالیست های کرد از مقوله دولت همین قدر را میفهمند که جائی که به نان و نوائی برسند و بر گرده مردم بهر قیمت بنام "گردابیتی" سوار شوند. دولت برایشان همین است. آرمانشان طالبانی هم همین را نشان میدهد. وگرنه بعید است که ایشان بتوانند کودک دوساله‌ای را قانع کند که منصور حکمتی که میگوید رفراوند کنید و کردستان را مستقل اعلام کنید شوونیست است و طالبانی که مردم کردستان را از زندگی ساقط کرده و جامعه را خوابانده و مردم را در شهر خودشان به پناهندگان محتاج آذوقه سازمان ملل تبدیل کرده، غمخوار مردم است. ادعا میکند که منصور حکمت از جاهای مشکوک پول میگیرد. سوالی که فوراً پیش می آید این است که چه کسی حقوق جلال طالبانی را میدهد؟ در این یکی شکی نیست و هیچ نقطه مشکوکی در آن وجود ندارد: همه کسانی که برایشان نوکری میکند از اشرق تا مشرق.

طالبانی وقیح تر از آنست که به تصور در آید. پشتش را به قتل عام و سرکوب کمونیست ها در ایران میدهد و اعلام میکند که: "سرانجام این تئورسینهای شوونیست که در کشور خودشان جائی ندارند، شکست در جاهای دیگر و در میان مردم دیگر است." ناسیونالیسم کرد یکی از کودن ترین جریانات سیاسی دوران ماست. اینها نمیفهمند که لاقل حالا که جمهوری اسلامی در سراسر شیب سقوط است وقت این حرفها نیست. باید بفکر عاقبتشان باشند لاقل همانقدر که خود سران جمهوری اسلامی هستند. از سر کودنی تمام عمرشان متحد بازنده ها بوده‌اند.

چین سیاسی و فکری ناسیونالیسم کرد باور نکردنی است. اینها تنها ناسیونالیستهای دنیا هستند که در عمرشان جرات نکرده‌اند حتی حرف تشکیل دولت کرد را بزنند و خواستار استقلال آن در جائی بشوند. حتی در لاشخوری سیاسیشان ذلیل‌اند. کاش میشد فیلم سینه زنی آقای طالبانی در مراسم عاشورا که توسط سپاه پاسداران در سلیمانیه برپا شده بود را نشان داد.

به این اختتامیه نوشته توجه کنید:

"دریغ است که بعد از صد سال مبارزه کرد و بعد از چند دهه تلاش تئوریک که در آن ادبیات کردی چندین مساله فکری سیاسی ارزشمند و تمایزهای زیر را روشن کرد است ...

تازه در اول قرن بیست و یک گروه کمونیست به تمامی وابسته تشکیل شود. ..."

مردم کردستان شایسته بهتر از این اند.

Website:

www.haftegi.com انترناسیونال هفتگی

Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

Address:

BM Box 8927

London

WC1N 3XX

England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank

Germany

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org

اصغر کریمی رئیس هیات دبیران 0044-771 4097928

آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 0049-172 7823746

سازمان جوانان کمونیست:

بهرروز مدرسی دبیر سازمان 0049172 295 7603

کمیته کردستان:

رحمان حسین زاده دبیر کمیته 0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی 0049-177 569 2413

رادیو انترناسیونال را

روی اینترنت بشنوید

www.radio-international.org

ظاهرا جلال طالبانی نتوانسته پولی را که بابت کشتار کمونیستها در کردستان عراق از دولت ایران گرفته راحت قورت دهد. اعتراض عمومی به جنایت این دارودسته حتی صفوف خود اتحادیه میهنی را نیز شامل شده است. طالبانی در تنگنا ناچار شده برای توجیه آدم کشی سفارشیش توجیحات سیاسی و فکری پیدا کند. سلسله گفتارهایی که در نشریه "کردستان نو"، ارگان دارودسته طالبانی در مورد حزب کمونیست کارگری عراق، حزب کمونیست کارگری ایران و منصور حکمت منتشر میشود هدفش این است که به ایشان برای "خدمتی" که کرده توجیهی بدهد و صفوف اتحادیه میهنی را آرام کند. برای کسی که علاقه‌ای به شناختن عمق پیچیدگی فکری ناسیونالیسم کرد داشته باشد خواندن این "نوشته‌ها" مفید است. تشخیص دامنه فهم، پیچیدگی فکری و قدرت استدلالی این "فرزندان غیور کرد" آموزنده است. یکی از آثار گرانبهای این "ادبیات کرد" مقاله ایست مندرج در شماره ۲۲۲۸ مورخ ۱۹ اوت "کردستان نو"، تحت عنوان "سرانجام وابستگی فکری همیشه باخت است"

در این مقاله میفرمایند: "... گروه کمونیست کارگری عراق به تمامی از نظر فکری و نگرش و موضع سیاسی گرفتار تفکر شوونیستی منصور حکمت است. منصور هم که بازنده ای سیاسی... است، از دیدگاه شوونیستی ملت بالا دست ... یخه جنبش کردی را گرفته و بخیال خود منطقه ... دولت کردستان عراق آن جای بی صاحبی است که میتواند گذشته خود و گروهش را در آن جبران کند. اما از آنجا که این منطقه بی صاحب نیست و جنبش کردستان برای رهائی کردستان خون ریخته است و خود را صاحب شرعی و حکمران فعلی منطقه میداند، سرانجام ... کردستان عراق هم شاهد باخت دیگر منصور حکمت و